

## برداشت ناصحیح روایات مهدویت توسط جریان واقفیه

حمید ابراهیم زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

مهدویت از اساسی‌ترین موضوعات مورد عنایت اسلام و مذهب تشیع امامی بوده که در گذر زمان همواره مورد سوءاستفاده برخی مدعیان و پیروان ایشان واقع شده است. واقفیه یکی از جریان‌های انحرافی بود که در آغاز امامت امام رضا علیه السلام ضمن رویارویی با امامت شیعی، به تغییر مسیر مهدویت دست یازیده، اتحاد جامعه شیعی را از هم گسستند. اقدامات این جریان در راستای تثبیت موقعیت خویش در تحریف معنوی و تأویل نادرست روایات مرتبط با مهدویت به حدی بود که واکنش خاص امام رضا علیه السلام را در پی داشت. این مقاله با اشاره مختصر به سوءاستفاده واقفیه از برخی روایات مرتبط با موضوع مهدویت، ارائه برداشت‌های نادرست و دستکاری در متن حدیث، برخی اقدامات پیروان واقفیه را در تحریف معنوی و لفظی روایات مهدوی مورد بررسی قرار داده است.

واژگان کلیدی: تحریف، واقفیه، مهدویت، امام رضا علیه السلام.

<sup>۱</sup> . دانش آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی شیعه شناسی حوزه علمیه قم. [ebrahemzadeh@chmail.ir](mailto:ebrahemzadeh@chmail.ir)

اندیشه توقف در امامان شیعه در دوره‌های مختلف زمانی در عصر حضور موجب تشتت و ازبین رفتن یکپارچگی امت اسلامی می‌شده است؛ اما تفاوت مهم جریان واقفیه در دوره امام رضا علیه السلام با دیگر دوره‌ها تقابل با امام معصوم و زیرسؤال بردن امامت ایشان با استفاده از روایات مرتبط با مهدویت بود. متأسفانه منشأ این جریان، اصحاب و یاران موسی بن جعفر علیه السلام و از چهره‌های سرشناس و شخصیت‌های معروف و نزدیک به امامان علیهم السلام بودند. افکار آنان پیامدهای ناگواری از جمله ایجاد اختلاف میان مسلمانان، مشغول ساختن افکار عمومی به مسائل انحرافی و غفلت از نیرنگ‌ها و توطئه‌های اساسی دشمن به همراه داشت که به تضعیف جایگاه امامت شیعی می‌انجامید. این پدیده شوم به قدری ناگوار بود که امامان از آن به فتنه<sup>۱</sup> تعبیر کرده‌اند.

فرقه واقفیه با تفکر انحرافی ادعای مهدویت<sup>۲</sup> و عدم رحلت امام موسی کاظم علیه السلام در ایشان متوقف شده<sup>۳</sup> و منکر امامت امام رضا علیه السلام<sup>۴</sup> و ائمه بعد از ایشان شدند. واقفیه

۱. «الحکم بن عیص قال: دخلت مع خالی سلیمان بن خالد، علی ابی عبد الله ع، فقال: یا سلیمان من هذا الغلام؟ فقال: ابن أختی، فقال: یعرف هذا الأمر؟ فقال: نعم. فقال: الحمد لله الذی لم یخلقه شیطانا، ثم قال: یا سلیمان نعوذ بالله ولدک من فتنه شیعتنا. قلت: جعلت فداک و ما تلك الفتنه؟ قال: إنکارهم الأئمة، و وقوفهم علی ابنی موسی علیه السلام قال: ینکرون موته، و یزعمون أن لا إمام بعده، أولئك شر الخلق» (خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۱۷۶، ش ۱۴۲۰).

۲. شهرستانی، ملل و نحل، ج ۱، ص ۱۹۸؛ نوبختی، فرق الشیعه، ص ۸۱.

۳. نوبختی، فرق الشیعه، ص ۸۱؛ اشعری، مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین، ص ۲۸.

۴. اشعری، مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین، ص ۲۹.

۵. نوبختی، فرق الشیعه، ص ۸۱؛ اشعری، مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین، ص ۲۸.

برای اثبات ادعاهایشان مبنی بر قائم‌بودن امام کاظم علیه السلام و عدم قبول امامت امام رضا علیه السلام با اقدام‌هایی مادی و معنوی مقبولیت خویش را رشد داده و شیعیان امامیه و به‌خصوص امام هشتم را تا مدت‌ها تحت فشار قرار دادند.

### برداشت ناصحیح از روایات

واقفیه از هر دستاویزی بهره گرفتند تا وفات امام کاظم علیه السلام و امامت فرزندش امام رضا علیه السلام را مورد خدشه قرار دهند. تأثیر عمومی ادعای ایشان با تردید در منابع و مستندات روایی ماثور از امامان قبلی بیشتر می‌شد. به همین دلیل به حربه تحریف روایات دست زدند. البته حربه تحریف در امت‌های پیشین نیز سابقه داشته است. قرآن کریم در آیه ۴۶ سوره نساء «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» تحریف آیات قرآن توسط یهودیان را متذکر شده است. این تحریف ممکن است جنبه لفظی یا جنبه معنوی و یا جنبه عملی<sup>۱</sup> داشته باشد. تحریف در سخنان هر فردی نوعی دروغ‌گویی در حق او و کاری غیرصاحیح است؛ چه رسد که در کلام امامان و بزرگان دین باشد.

جریان وقف روایاتی با موضوع قائم و مهدی که از دیرباز در میان شیعه وجود داشت را بر طبق منافع شخصی رهبران خویش مورد بهره‌برداری قرار می‌دادند. آنان برای اثبات ادعای دروغین خویش، برداشت‌های شخصی را بر روایات بار کرده، دست به تحریف معنوی آنها می‌زدند. تحریف معنوی واقفیان عصر امام رضا علیه السلام در بهره‌برداری ناصحیح غیرمنطبق بر مفهوم احادیث، تأویل نادرست آنها و تفسیربه‌رأی در احادیث مهدوی سریان داشت. آنها روایاتی که بیانگر شاخصه‌های قائم بود را به نفع خویش مصادره و بر طبق اندیشه انحرافی خود برای نیل به اهداف مادی بر

<sup>۱</sup> مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۱۳.

موسی بن جعفر علیه السلام تطبیق می‌دادند. واقفیان گاهی روایات را به گونه‌ای تأویل می‌بردند که مفهوم اصلی روایت به شکل دیگری جلوه داده شود. همچنین گاهی قسمتی از عبارت که موافق نظرشان بود را بیان و قسمت دیگر را کتمان کرده یا تغییر می‌دادند.

از جمله تحریفات روایی واقفیه تطبیق تفکر خود بر روایت بود. وقتی موسی بن جعفر علیه السلام متولد شدند، امام صادق علیه السلام به حمیده بربریه (مادر ایشان) فرمودند:

«بِخْ بَخِ حَلَّ الْمَلِكِ فِي بَيْتِكَ وَ سُئِلَ عَنِ اسْمِ الْقَائِمِ فَقَالَ اسْمُهُ اسْمُ حَدِيدَةَ الْحَلَّاقِ؛<sup>۱</sup> یعنی مبارک باد تو را، مبارک باد تو را که مُلک به خانه تو وارد شد. از امام صادق علیه السلام از اسم قائم پرسیدند، فرمود: نام او، نام آهن سر تراش است.»

واقفیه در این روایت - با برداشتی متفاوت - منظور امام از مُلک و تبریک آن به همسرشان را قائم بودن امام کاظم علیه السلام تعبیر کرده و ایشان را همان فردی معرفی کردند که در آخرالزمان قیام کرده و عدل و امان را بر پا خواهد کرد. در واقع در تطبیق ویژگی‌های قائم، بنا بر معنای موسی در لغت عرب<sup>۲</sup> (آنچه به واسطه آن موی سر را حلق می‌کنند) موسی بن جعفر علیه السلام را منجی آخرالزمان و گسترش‌دهنده عدل و قسط در سرتاسر عالم می‌خواندند. شیخ مفید در الفصول المختارة این گونه پاسخ می‌دهد که

۱. «رَوَوْهَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مِنْهَا أَنَّهُمْ حَكَوْا عَنْهُ أَنَّهُ لَمَّا وُلِدَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ دَخَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ عَلَى حَمِيدَةَ الْبُرْبُرِيَّةِ أُمَّ مُوسَى عَ فَقَالَ لَهَا يَا حَمِيدَةُ بَخْ بَخِ حَلَّ الْمَلِكِ فِي بَيْتِكَ» (شیخ مفید، الفصول المختارة، ص ۳۱۳؛ همو، مجالس در مناظرات، ترجمه الفصول المختارة، ص ۵۷۱-۵۷۲).

۲. «الْوَسِيُّ: المَخْلُوقُ. أَوْ سَبَبُ الشَّيْءِ: حَخَلْتَهُ بِالْمُوسَى. وَ وَسَى رَأْسَهُ وَ أَوْسَاهُ إِذَا حَخَلْتَهُ وَ الْمُوسَى: مَا يُحَلَّقُ بِهِ» (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۹۱).

از کجا معلوم که منظور شما صحیح باشد؟ منظور از مُلک و پادشاهی در این روایت همچون آیه ۵۴ سوره نساء، امامت بر خلق و وجوب اطاعت بر بشر و مالکیت امر و نهی است.<sup>۱</sup> از طرفی ورود ملک و پادشاهی به منزل امام صادق علیه السلام چگونه قیام به سیف بودن امام کاظم علیه السلام را تأیید می‌کند؟<sup>۲</sup>

بررسی تفسیری و روایی مفهوم مُلک نیز در آیه ۵۴ سوره نساء «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» و اعطای آن به آل ابراهیم در کنار کتاب و حکمت، امر امامت و ریاست دین و دنیا را نشان می‌دهد. تفسیر عیاشی<sup>۳</sup> و تفسیر فرات<sup>۴</sup> انتخاب رسل، انبیا و امامان را از بین ایشان، مصداق مُلک دانسته‌اند. امام باقر علیه السلام ماهیت ملک اعطایی به آل ابراهیم را اعطای مقام امامت و هم‌عرض دانستن اطاعت ایشان ذیل اطاعت از خداوند بیان کرده‌اند.<sup>۵</sup> امام صادق علیه السلام نیز ملک در این آیه شریفه را این‌گونه توضیح فرموده‌اند: «جعل فيهم أئمة من أطاعهم فقد أطاع الله، و من عصاهم فقد عصى الله».<sup>۶</sup>

از دیگر موارد تحریف معنوی واقفیه، تأویل نادرست روایات مهدوی بود. آن‌ها حتی بعد از علم به اشتباه خود، حاضر به قبول و بیان نادرستی ادعا نمی‌شدند. از امام رضا علیه السلام روایت شده است: «ابو حمزه در ابتدا برایش شبهه‌ای پیش آمد که در آن دقت

<sup>۱</sup>. شیخ مفید، الفصول المختاره، ص ۳۱۴.

<sup>۲</sup>. همان.

<sup>۳</sup>. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۴۶.

<sup>۴</sup>. فرات الکوفی، تفسیر فرات، ج ۱، ص ۱۰۷.

<sup>۵</sup>. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۵-۳۶؛ تستری، احقاق الحق و اذهاق الباطل، ج ۱۴، ص ۵۶۳.

<sup>۶</sup>. همان.

نکرد و عقیده‌اش را به مردم نیز گفت و بر آن پافشاری ورزید. پس از اینکه حق آشکار گردید نخواست اشتباهات خود را ترک و عقیده فاسدش را تکذیب کند. او در مورد چند روایت که آن‌ها را به‌طور غلط و اشتباه تأویل کرد، منحرف شد و اکنون نیز دست از انحراف خود نداشته و همان تأویلات باطل را تکرار کرده و مردم را گمراه می‌سازد.<sup>۱</sup>

تحریف لفظی روایات مهدوی نیز در دستور کار پیروان جریان وقف بود. آن‌ها با دستکاری در متن روایات در پی تصدیق اصل ادعای خود بودند. بیان روایات تحریف‌شده، موضع‌گیری امام رضا علیه السلام را در پی داشت. آن حضرت ضمن افشای دروغ‌گویی واقفیه به تبیین حقیقت و تصحیح روایت‌ها می‌پرداختند.<sup>۲</sup>

اکنون به یک نمونه از موارد تحریف لفظی روایات مهدویت و واکنش امام رضا علیه السلام به آن اشاره می‌شود: زرعه بن محمد الحضرمی<sup>۳</sup> از پیروان جریان وقف در زمان امام رضا علیه السلام روایتی از امام صادق علیه السلام را برای حسین بن قیاما - که واقفی‌مذهب بود -<sup>۴</sup> نقل کرد. حسین بن قیاما ضمن باور روایت، آن را نزد امام رضا علیه السلام نقل کرد. آن حضرت تحریف صورت‌گرفته توسط زراعه را آشکار و آن را تصحیح کردند.<sup>۵</sup>

۱. عطاردی، اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام، ص ۷۸۹.

۲. پرداختن به این موضوع مجال دیگری را می‌طلبد که از عهده این نوشتار خارج است.

۳. نجاشی، رجال، ص ۱۷۶؛ طوسی، فهرست، ص ۲۱۰.

۴. طوسی، رجال، ص ۳۳۶.

۵. کشی، رجال، ص ۴۷۷.

امام علیؑ فرمودند: «کذب زرعهُ لیس هکذا حدیث سماعه إنما قال صاحب هذا الأمر یعنی القائم عنه السلام فیه شبه من خمسة أنبیاء و لم یقل ابنی؛ زرعہ دروغ گفته است. این حدیث از سماعه نقل نشده (بلکه خود وی این روایت را جعل کرده) و روایت صحیح این است: صاحب الامر یعنی قائم، دارای پنج شباهت به ویژگی‌های انبیا است؛ نه پسر من.»

### نتیجه

تحریف از کارهای اساسی دشمنان دین بوده و در طول تاریخ نیز نزد مخالفان و منحرفان از اعتقاد ناب تشیع جایگاهی خاص داشته است. پیروان اندیشه توقف در شیعه برای کسب منافع مادی حاصل از به انحراف کشاندن اندیشه مهدویت و نفی امامت امام رضاؑ شهادت موسی بن جعفر عنه السلام را نپذیرفته، از هیچ فرصتی برای کسب اقبال عمومی به ادعاهای خود دست بردار نبودند. بهترین راه کسب مقبولیت عمومی واقفیه، زیرسؤال بردن و تشکیک در روایات مرتبط با مهدویت بود که در قالب تحریف روایات مهدوی انجام می‌شد.

حربه تحریف روایات مهدویت در دو بُعد انجام می‌شد. ۱- تحریف معنوی ۲- تحریف لفظی. پیروان جریان وقف با استفاده از حربه تحریف معنوی به تغییر معانی و مفاهیم روایات و تطبیق آن‌ها بر ادعاهای خود و نیز تأویل نادرست احادیث برآمدند. غایت اصلی واقفیان از تمسک به تحریف معنوی، منطبق کردن منظور خود بر کلام امام صادقؑ و تغییر مفهوم اصلی روایات مهدوی بود. از طرف دیگر ایشان با دستکاری در متن حدیث و به عبارتی جعل قسمت‌هایی از روایات، تحریف لفظی را انجام می‌دادند. امام رضاؑ در تقابل با این اقدامات، ضمن تبیین روایت اصلی و بیان مفهوم واقعی روایات به مقابله با تحریف لفظی و معنوی و تأویل ناصحیح روایات توسط واقفیه می‌پرداختند.

## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن منظور، لسان العرب، دارالفکر و دارصادر، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۲. اشعری، ابوالحسن، مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین، ویسبادن، فرانس شتاینر، چاپ سوم، آلمان، ۱۴۰۰ق.
۳. بغدادی، عبدالقاهر، الملل و النحل، تحقیق: بیرنصری، دارالمشرق، چاپ سوم، بیروت، ۱۹۹۲م.
۴. تستری، قاضی نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۹ق.
۵. خویی، سیدابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، مرکز نشر آثار شیعه، قم، ۱۴۱۰ق.
۶. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم، الملل و النحل، تحقیق: بدران، محمد، الشریف الرضی، چاپ سوم، قم، ۱۳۶۴.
۷. صفار، محمدبن حسن، بصائر الدرجات، مؤسسه الاعلمی، تهران، ۱۳۶۲.
۸. طوسی، محمدبن حسن، رجال، حیدریه، نجف، ۱۳۸۱ق.
۹. -----، الفهرست، مکتبه المرتضویه، نجف، بی تا.
۱۰. عطاردی، عزیزالله، اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام، کتابخانه صدر، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۷ق.
۱۱. عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی، تصحیح: رسولی محلاتی، هاشم، علمیه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰ق.
۱۲. کشی، محمدبن عمر، رجال کشی، دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳۴۸.



۱۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات، تصحیح: کاظم محمد، مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، تهران، ۱۴۱۰ق.
۱۴. مفید، محمد بن محمد، الفصول المختارة، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۵. -----، مجالس در مناظرات، ترجمه الفصول المختارة، خوانساری، جمال، مؤمنین، چاپ اول، قم، ۱۳۷۷.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم، تهران، ۱۳۷۴.
۱۷. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ق.
- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، تحقیق: آلبانی، ناصرالدین، دارالأضواء، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۴ق.